

جادوی فکر



راز واقعے موفقیت

دیوید جے. شوارتز

مترجم: زینب عروجلو

سرشناسه: شوارتز، دیوید جوزف / Schwartz, David Joseph
 عنوان و نام پدیدآور: جادوی فکر بزرگ: راز واقعی موفقیت/دیوید جی. شوارتز؛ مترجم زینب عروجلو.
 مشخصات نشر: قم: آوای منجی، ۱۴۰۱. / مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
 شابک: ۲-۱۴۵-۴۲۰-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: The magic of thinking big
 یادداشت: کتاب حاضر با عناوین و ناشرین مختلف در سالهای متفاوت منتشر شده است.
 عنوان دیگر: راز واقعی موفقیت،
 موضوع: موفقیت / Success / اعتماد به نفس / Self-confidence
 سطح انتظار / Level of aspiration / شناسه افزوده: عروجلو، زینب، ۱۳۶۰-، مترجم
 رده بندی کنگره: ۳۷:BF۶ / رده بندی دیویی: ۱۵۸/۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۱۴۹۷۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر برای ناشر محفوظ است.

شناسنامه

عنوان:..... جادوی فکر بزرگ
 نویسنده:..... دیوید جی. شوارتز
 مترجم:..... زینب عروجلو
 ویراستار:..... هادی شعبان پور
 طراح جلد و صفحه آرا:..... گروه هنری پتوس
 ناشر:..... آوای منجی
 چاپخانه:..... احسان
 نوبت چاپ:..... اول / ۱۴۰۲
 شمارگان:..... ۵۰۰ نسخه
 شابک:..... ۲-۱۴۵-۴۲۰-۶۰۰-۹۸۷

مرکز پخش

آدرس: قم- خیابان شهید فاطمی (دور شهر) - کوچه ۱۸- پلاک ۳۵
 ۰۲۵-۳۷۸۳۶۹۱۳ ۰۲۵-۳۷۷۴۸۳۷۰ ۰۹۱۲ ۶۵۱ ۸۰ ۳۶

۶	مقدمه
۱۳	فصل اول
۲۳	چگونه قدرت باور را ارتقا دهیم؟
۲۵	در مورد مهم‌ترین بخش آموزش یعنی نتیجه چطور؟
۲۷	فصل دوم
۲۸	چهار نوع رایج بهانه‌تراشی
۳۹	چگونه بهانه‌تراشی سنی را مدیریت کنیم؟
۴۶	فصل سوم
۶۷	فصل چهارم
۷۳	به این توجه کنید که چطور می‌تواند باشد، نه این که چطور هست
۸۶	راه‌هایی برای بزرگ فکر کردن
۸۷	فصل پنجم
۱۰۷	فصل ششم
۱۱۱	فکر کنید کارتان مهم است
۱۲۰	من چطور فکر کنم؟
۱۲۱	فصل هفتم
۱۲۲	خودتان را اصلاح کنید تا موفق شوید
۱۳۵	کاری کنید محیط اطرافتان باعث پیشرفتتان شود
۱۳۶	فصل هشتم
۱۴۵	نگرش «تو مهم هستی» را در خودتان افزایش دهید
۱۵۷	فصل نهم
۱۷۰	از این قوانین استفاده کنید تا نتیجه‌اش را ببینید
۱۷۲	فصل دهم
۱۸۰	موتور ذهن خود را روشن کنید
۱۸۸	عادت عمل کردن را در خود پرورش دهید
۱۸۹	فصل یازدهم
۲۰۲	فصل دوازدهم
۲۱۵	راهنمای پیشرفت سی‌روزه
۲۲۰	فصل سیزدهم
۲۲۲	چرا جوان در فروشنده‌گی موفق نشد؟
۲۳۷	خلاصه

مقدمه

چرا این کتاب را انتخاب کرده‌اید و برداشتید؟ چرا کتابی با عنوان جادوی فکر بزرگ انتخاب کردید؟ امسال هزاران کتاب چاپ شدند، چرا کتاب دیگری چاپ کنیم؟ به من اجازه دهید کمی در مورد علت نوشتن این کتاب برای شما بگویم. چند سال پیش در جلسه‌ی خاص و تأثیرگذار مدیران فروش شرکت کردم. نایب رئیس آن شرکت، خیلی هیجان زده بود؛ چون می‌خواست مطلب مهمی را به همه بگوید. همراه خودش مدیر موفق‌ی آورده بود. او خیلی معمولی به نظر می‌رسید. با این وجود، درآمد سالانه تقریباً شصت هزار دلار داشت درحالی‌که سایر مدیران تقریباً دوازده هزار دلار درآمد داشتند.

مدیر شرکت، فروشنده‌ها را به چالش کشید و گفت: «از شما می‌خواهم به دقت هری را بررسی کنید. به او نگاه کنید. هری چه چیزی دارد که بقیه‌ی شما ندارید؟ هری پنج برابر بیشتر از شما درآمد دارد؛ اما او پنج برابر باهوش‌تر هم هست؟ خیر! با توجه به تست‌هایی که از او گرفتم و بررسی کردم، این طور نیست. نتایج نشان می‌دهد که هوش او اندازه‌ی هوش شما است. آیا هری پنج برابر بیشتر از شما کار می‌کند؟ خیر! طبق گزارشات از بقیه‌ی شما ساعت کاری کمتری دارد. آیا هری تعداد مشتری بیشتری نسبت به شما دارد؟ دوباره پاسخ خیر است. میانگین مشتریان همه‌ی شما یکی است. او تحصیلات بیشتری دارد؟ سالم‌تر است؟ مجدداً خیر! هری به اندازه‌ی هر مرد معمولی دیگری، معمولی است و فقط در یک چیز تفاوت دارد».

معاون رئیس گفت: «تفاوت میان هری و شما این است که او پنج برابر بیشتر و بزرگ‌تر از شما فکر می‌کند.» سپس تا نشان دهد موفقیت به میزان هوش یک فرد بستگی ندارد؛ بلکه به اندازه‌ی تفکر او بستگی دارد. این نوع تفکر، درست بود و من آن را به

خاطر سپردم. هرچه بیشتر مردم را بررسی کردم، هرچه بیشتر با مردم حرف زدم و هرچه بیشتر در مورد علت موفقیت تحقیق کردم، پاسخ برایم روشن تر شد. همه‌ی موارد، ثابت می‌کردند میزان پول یک نفر در بانک، میزان شاد بودنش و میزان رضایت کلی فرد به اندازه‌ی فکر او بستگی دارد. این جادوی فکر بزرگ است.

اگر از تفکر بزرگ و جدی خیلی تعریف می‌کنند؛ پس چرا همه‌ی مردم این طور فکر نمی‌کنند؟ من این سؤال را بارها پرسیده‌ام. حالا به پاسخ آن ایمان آورده‌ام: «همه‌ی ما بیشتر از چیزی که فکرش را بکنیم، حاصل افکار خود هستیم و اکثر این تفکرات، کوچک هستند نه بزرگ.» اطراف شما، محیطی است که سعی می‌کند شما را به زحمت بیندازد و پایین بکشد. تقریباً هر روز به شما می‌گویند: «مدیر زیاد است، کارمند کم است.» به عبارت دیگر، فرصت‌هایی که منجر به مدیریت می‌شوند، از بین رفته‌اند و کمبود کارمند وجود دارد؛ پس باید آدم کوچکی شوید؛ اما این ایده‌ی مدیران، زیاد حقیقت ندارد. رهبران در هر شغلی به شما می‌گویند، همان طور که به من گفته‌اند، مشکل این است که کارمندان زیادی وجود دارد و مدیران خیلی کمی هستند.

این محیط ترحم برانگیز، چیز دیگری هم می‌گوید: «هرچه پیش آید، خوش آید. تقدیر شما خارج از کنترل شما است و سرنوشت، شما را کنترل می‌کند. رویاهایتان را فراموش کنید، خانه‌ی بهتر را فراموش کنید، دانشگاه خوب برای فرزندان‌تان را فراموش کنید. سرنوشت را بپذیرید. دراز بکشید و منتظر مرگ باشید.» همه این جمله را شنیده‌اند که: «موفقیت، ارزش هزینه کردن ندارد.» این جمله یعنی در ازای موفقیت باید روح، خانواده، آگاهی و ارزش‌های خود را فدا کنید؛ اما در حقیقت موفقیت هزینه‌ای ندارد. در هر قدم به سوی موفقیت، سودی هست. محیط اطرافمان این طور به ما می‌گوید که برای موفق شدن، در زندگی رقابت شدید وجود دارد؛ اما واقعاً وجود دارد؟ یکی از مدیران درجه یک و منتخب اداره‌ای به من گفت که بین ۵۰ تا ۲۵۰ درخواست همکاری با پیشنهاد درآمد ده هزار دلار در سال برای کاری که قیمت واقعی آن پنجاه هزار دلار در سال است، برای ما ارسال می‌شود. این حقیقت می‌گوید، حداقل پنج برابر رقابت بیشتری در کارهای کم‌اهمیت وجود دارد. مسیر درجه یک‌ها، کم جمعیت است. شغل‌های بی‌نهایت زیادی، در انتظار افرادی هستند که مثل شما جرئت داشته باشند بزرگ فکر کنند.